

ترامپ؛ استخوانی در گلوئ آمریکا

است که طی چند هفته اخیر ذهن طنز پردازان و کاریکاتوریست‌های آمریکایی را به خود مشغول کرده است. هفته‌هایی که آنها در کنار مردم تاریخ ایالات متحده یک فرآیند دوسویه کم‌سابقه را تجربه کردند؛ از یک سو برگزاری دادگاه برای یک متهم به اغتشاش و آشوب در کشور و در سوی دیگر فعالیت پرشور بر سر همان متهم در جایگاه نامزد انتخابات ریاست جمهوری.

چهل و پنجمین رئیس جمهور و بخشی از خاطرات گذشته مردم آمریکا نیست. او استخوانی در گلوئ آمریکاست که چه به حال خود رها شود و چه برای بیرون کشیدن آن تلاش شود، نتیجه یکی خواهد بود؛ عفونت یا جراحی که اگر به ناپودی کامل بیمار منجر نگردد، حداقل تا مدت‌ها تاثيرات خود را بر سلامت آن برجای خواهد گذاشت. این همان موضوعی

نتایج انتخابات نشد و غائله ۶ ژانویه به راه افتاد، باز هم او را بازنده مستاصلی تصور کردند که در مسیری غیرقابل بازگشت قدم گذاشته است. اکنون بعد از دو سال این سیاستمدار تاجر پیشه یا بهتر بگوییم تاجر که سیاست را پیشه خود قرار داده، دوباره بازگشته است؛ آن هم با صراحت، جسارت و وقاحتی به مراتب بیش از قبل. با بازگشت دوباره ترامپ، حالا دیگر او فقط

روزی که اعلام شد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا از جو بایدن رقیب دموکراتش شکست خورده، بسیاری کار او را در عرصه سیاسی آمریکا خاتمه یافته تلقی کردند. وقتی هم که او حاضر به پذیرش

میراحمد رضا مشرف

پژوهشگر مسائل بین‌الملل



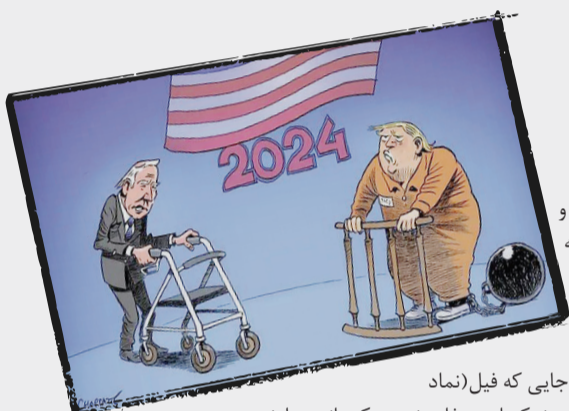
خط بطلان ترامپ روی ارزش‌ها و افتخارات آمریکا

می‌کند. انتخاب یکی از گزینه‌های بایدن یا ترامپ پاسخ مثبت یا منفی به این پرسش را تعیین می‌کند. اما در کاریکاتور دوم می‌بینیم که چطور با بازگشت ترامپ و رقابت دوباره او با بایدن، وحدت و یکپارچگی نظام فدرالیسم آمریکا مورد تهدید قرار گرفته و کینه‌های قدیمی میان جمهوری خواهان و دموکرات‌ها (در واقع شمال و جنوب قدیم) یکبار دیگر احیا شده است. در این بین ایبراهام لینکلن است که با ناراحتی و ناامیدی بر باد رفتن دوباره میراث خود را نظاره می‌کند.

و قانون مداری و به همراه آن ایجاد یک نظام پایدار فدرالی که به نوعی پیاده کردن الگوی موفق از وحدت در عین کثرت تلقی می‌شد، در کانون اصلی این افتخارات قرار می‌گیرند. اما به نظر می‌رسد که حالا ترامپ تمامی درون‌مایه‌های این ساختار سیاسی را در هم ریخته است؛ هر چند دقیقاً نمی‌توان گفت که ترامپ روتوش این نظام سیاسی را زده یا ارکان بنیادین آن را در گون ساخته است. در هر حال این موضوع مورد توجه طنز پردازان قرار گرفته است چنانکه از نگاه یکی از کاریکاتوریست‌های آمریکایی در صورت تکرار حضور ترامپ در عرصه انتخابات و رقابت مجدد او و بایدن در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۴، دیگر نمی‌توان صرفاً آن را رقابتی بر سر انتخاب رئیس جمهور دانست، بلکه باید آن را رقابتی میان دو اندیشه و باور تلقی کرد؛ باوری که ضمن اعتقاد به قانون مداری، رئیس جمهور را تابع چهار چوب قانون می‌داند و باور دیگری که قدرت و اختیار رئیس جمهور را فراتر از هر قانونی تصور



در جایی که آمریکایی‌ها از تمدن کهن و پیشینه تاریخی با عظمتی برخوردار نبوده‌اند تا استناد به آن را مایه فخر و مباهات خود بدانند، انکابر برخی ارزش‌ها و قواعد حاکم بر فرهنگ و سیاست ایالات متحده که به فراخ‌برخی شرایط بین‌المللی جنبه جهانی نیز یافته‌اند، بخش مهمی از ویرترین افتخارات آنها را شکل می‌دهد. بر این اساس ادعای پایه‌ریزی یک نظام سیاسی مبتنی بر ارزش‌هایی همچون آزادی، دموکراسی

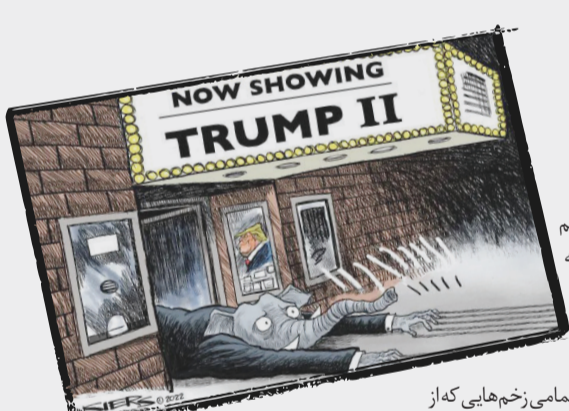
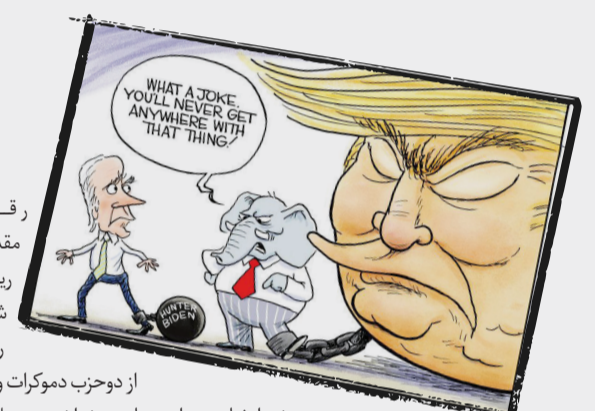


شرایط نابسامان دموکرات‌ها و جمهوری خواهان

می‌دهند. حضور بایدن با واکر و ترامپ با گل و زنجیر در پس‌زمینه انتخاباتی ۲۰۲۴ کاملاً گویا است. از سوی دیگر در کاریکاتور بعدی شاهد مناظره‌ای میان دموکرات‌ها و جمهوری خواهان هستیم. در جایی که فیل (نماد جمهوری خواهان) به بایدن طعنه می‌زند که با وجود غل و زنجیری که هانتر به پایش انداخته چگونه انتظار پیروزی دارد، حال آنکه خودش بار در دسر بسیار بزرگ‌تری یعنی ترامپ را بر دوش می‌کشد.

برایشان اجتناب‌ناپذیر می‌کند. در حالی که وضعیت کنونی بایدن نشان می‌دهد که با مشکلات جسمی و ذهنی عدیده‌ای روبه‌روست و معلوم نیست تا زمان انتخابات ریاست جمهوری وضعیت سلامتی وی چگونه خواهد بود. حالا اگر مشکلاتی را که پرسش هانتر به وجود آورده و حتی کل خانواده بایدن را در معرض اتهام فساد قرار داده اضافه کنیم، آن وقت بیشتر درک می‌کنیم که اوضاع حزب دموکرات به لحاظ برخورداری از شخصیت‌های قوی و محبوبی که توان رقابت با گزینه‌های مثل ترامپ را داشته باشند، تا چه حد خراب است. اما در طرف مقابل اوضاع جمهوری خواهان از این هم بدتر است. آنها برخلاف دموکرات‌ها که حداقل در ظاهر وحدت خود را حفظ کرده‌اند، به شکلی آشکار با تشمت و چنددستگی روبه‌رو می‌باشند. آنها با دردهای ترامپ هم مواجه هستند و باید دیدگاه‌ها و نظرات او را هم تحمل کنند. دو کاریکاتوری که در اینجا آورده‌ایم به خوبی این شرایط را انعکاس

رقابت‌های مقدماتی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ در شرایطی به نقطه آغاز خود رسیده است که هیچ‌یک از دو حزب دموکرات و جمهوری خواه به لحاظ درونی اوضاع چندان مساعدی ندارند. در وهله اول به نظر می‌رسد هر دو حزب با چنان قطارالرجالی روبه‌رو هستند که روی آوری مجدد به افرادی مثل بایدن و ترامپ را

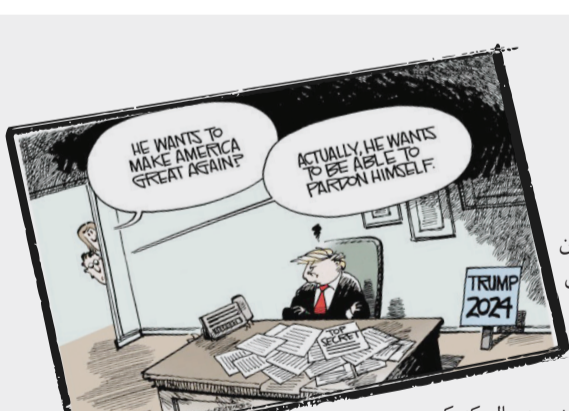
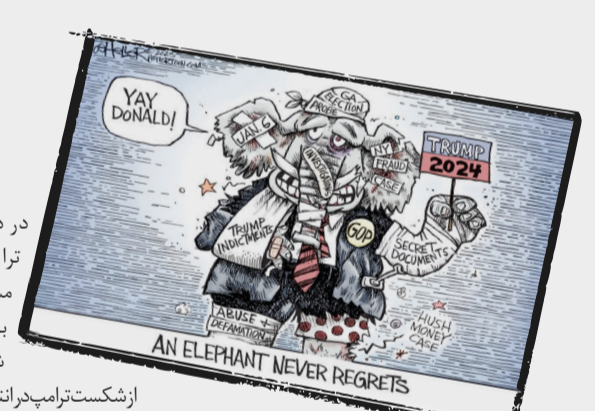


جمهوری خواهان مقهور و مغلوب ترامپ

که در یکی از کاریکاتورها می‌بینیم که فیل به‌رغم مقاومت، توان مقابله با ترامپ را نداشته و در نهایت به‌سوی برنامه‌های او کشیده می‌شود. در کاریکاتور بعدی هم مشخص است که جمهوری خواهان (فیل) به‌رغم تمامی زخم‌هایی که از مشکلات و پرونده‌های اخلاقی، سیاسی و اقتصادی ترامپ بر آن وارد شده، باز هم به ناچار او را به‌عنوان تنها گزینه نهایی انتخاب می‌کنند.

برابر بسیاری از اقدامات و حتی اتهامات ترامپ سکوت اختیار کرده و حتی المقدور از تقابل علنی با وی بپرهیزند. آنها به چند دلیل مجبور شده‌اند تا در روند انتخابات ۲۰۲۴ هم این رویکرد را ادامه دهند. اول اینکه ترامپ در بین هواداران جمهوری خواه از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار است چنانکه پیش‌بینی می‌شود سازمان «هاگاک» که از طرفداران پر و پا قرص ترامپ تشکیل شده است، از حمایت حداقل ۳۰ درصدی هواداران حزب برخورداری باشد. نکته دیگر اینکه کسی در درون حزب هم نیست که یارای رقابت درون حزبی با ترامپ را داشته باشد، چنانکه «ران دنستیس» به‌عنوان نزدیک‌ترین رقیب هم فاصله بسیار زیادی با او دارد. عامل سوم هم اینکه اغلب جمهوری خواهان به این درک رسیده‌اند که ترامپ تنها شخصی است که ظرفیت رقابت با بایدن را داشته‌است و می‌تواند امید پیروزی جمهوری خواهان در دموکرات‌ها در انتخابات ۲۰۲۴ را زنده نگه دارد. دقیقاً بر همین اساس است

در دوران ریاست جمهوری ترامپ جمهوری خواهان مشهوری قربانی مخالفت با دیدگاه‌ها و نظرات او شدند. این روند حتی پس از شکست ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری و سر باز زدنش از پذیرش نتایج انتخابات، هم ادامه پیدا کرد. تهدیدات علیه «مایک پنس» و «سنوود» و موارد مشابه دیگر باعث شد تا اغلب جمهوری خواهان کهنه‌کار در



شعار انتخاباتی سال ۲۰۲۴: «بی‌گناهم، او متهم است»

شعله‌های این آتش می‌افزایند. در این میان شگفتی آنها از زنده ماندن و جان سختی ترامپ نیز در نوع خود جالب توجه است. در کاریکاتور دیگر نیز ظاهراً ترامپ را در ستاد انتخاباتی ۲۰۲۴ و غرق در اوراق و اسناد می‌بینیم، در حالی که یکی از ناظران از دیگری سوال می‌کند که او در حال برنامه‌ریزی برای بازگرداندن عظمت به آمریکا است؟ و دیگری می‌گوید نه او در تلاش برای یافتن راهی برای تبرئه خود از اتهامات است.

آمریکایی و لزوم بازگرداندن آنها قرار داد و شعار «بهتر از قبل، دوباره می‌سازیم» را انتخاب کرد. اما به نظر می‌رسد که آمریکا در تبلیغات انتخابات ۲۰۲۴ وضعیت عجیب و بی‌سابقه‌ای را تجربه می‌کند. در این رقابت هم ترامپ و هم بایدن، اهداف تبلیغاتی شان را بر یک محور متمرکز کرده‌اند؛ اصرار بر پاک بودن خودشان و اثبات اتهامات رقیب. بر این اساس شاهد هستیم که ترامپ در جمع هواداران خود از جمهوری خواهان برجسته می‌خواهد تا تحقیقات علیه دموکرات‌ها را دنبال کرده و به هر شکل ممکن فساد جو بایدن و سپرس را افشا کنند. اما در طرف مقابل با توجه به اتهامات متعددی که متوجه ترامپ است، تیم بایدن و دموکرات‌ها کار چندان سختی ندارند و فقط باید میزبان آتش را بیشتر کنند. این همان نکته‌ای است که در یکی از کاریکاتورها به‌وضوح نشان داده شده است؛ ترامپی که محکوم به آتش کشیده شدن و سوختن است و خرهایی (نماد دموکرات‌ها) که با اضافه کردن اسناد و مدارک، بر

در سال ۲۰۱۶ شعار ترامپ در مورد بازگرداندن عظمت دوباره به آمریکا با اقبال عمومی خوبی مواجه شده و نقش چشمگیری در پیروزی وی ایفا کرد. در انتخابات ۲۰۲۰ هم وی با شعار «آمریکا را عالی (بزرگ) داریم» یا به عرصه رقابت گذاشت. در مقابل بایدن ضمن توجه به برخی حوزه‌ها مانند تغییرات اقلیمی و تعرفه‌ها، محور اصلی تمرکز خود را بر تخریب ارزش‌های



واکنش دوگانه ترامپ در برابر اتهامات

توضیح می‌دهد. اما در نقطه مقابل این رویکرد آشکاری که ترامپ در پیش گرفته است، به نظر می‌رسد که وی با نگرانی و جدیت هرچه تمام‌تر پرونده‌های اتهامی را پیگیری می‌کند. در کاریکاتوری هم که در این زمینه ترسیم شده، به خوبی نشان داده می‌شود که چگونه ترامپ به شکلی ناشیانه و مضحک در صدد از بین بردن تصاویر دوربین مداربسته اقامتگاه شخصی اش برآمده است، موضوعی که از چشم دادگاه نیز پنهان نمانده است.

همین اتهامات جای می‌گیرند. ترامپ در واکنش به این پرونده‌ها دو رویه متفاوت را در پیش گرفته است. در وهله نخست این اتهامات را کاملاً بی‌اساس و صرفاً نوعی اعمال فشار و اذیت و آزار یک مخالف سیاسی اعلام می‌کند. در عین حال با این استدلال می‌کوشد تا اتهامات را به‌عنوان ابزار و حربه‌ای علیه مخالفان به کار گرفته و آنها را به کارگیری شیوه‌های غیراخلاقی برای خارج کردن رقیب از میدان متهم کند. بی‌اهمیت جلوه دادن و تمسخر اتهامات و دادگاه هم تکمیل‌کننده این رویکرد محسوب می‌شود؛ در جایی که ترامپ در توییتی خطاب به طرفدارانش، حضور در دادگاه را یک نوع خوشگذرانی و رویارویی مفرح با مخالفان تعبیر می‌کند. کاریکاتوری هم که حضور ترامپ در دادگاه را به نمایش می‌گذارد کاملاً گویای همین مساله است؛ ترامپ لیخند به لب، در حالی که پاهایش را روی میز قرار داده و بساط پذیرایی اش نیز مهیا است، گویا حتی نمی‌داند که برای چه پرونده‌ای به دادگاه آمده و این وکیل اوست که دلیل حضورش در دادگاه را به او

احضار ترامپ به دادگاه‌های آمریکا و مواجه شدن او با یک پرونده و اتهام جدید تقریباً برای آمریکایی‌ها به امری عادی تبدیل شده است. اما در میان همه پرونده‌ها و اتهامات دوسه مورد آن از همه مهم‌تر بوده و حتی می‌تواند جنبه جنایی داشته باشد. پرداخت حق السکوت به بازنگر زنی آمریکایی، نگهداری اسناد محرمانه و فوق محرمانه در ملک شخصی و سرانجام تلاش برای انحراف نتایج انتخابات ریاست جمهوری و تحریک طرفداران برای حمله به کنگره در زمره

